

چاپ دوم



فصیده سرا

نثرانه

در ترانه‌ها و اشعار عامیانه‌ی ایران

بررسی حضور زن
بنفشه حجازی

زنان ترانه



قصیده سرا

زنان ترانه

بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه ایران

بنفشه حجازی



قصیده سرا

۱۳۹۹

تاریخ و فرهنگ

۱



قصیده سرا

زنان ترانه

بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه ایران

بنفشه حجازی

طرح جلد: محسن توحیدیان

چاپ دوم: ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۱۸-۰۳-۷

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

پست الکترونیک: ghasidehsara@gmail.com

تلفن: ۶۶۹۷۲۸۷۰

حق چاپ محفوظ است

حجازی، بنفشه، ۱۳۳۳ -

زنان ترانه بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه ایران / بنفشه حجازی - تهران:

قصیده سرا، ۱۳۸۴

ISBN 978-964-8618-03-7

۲۰۰ ص

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: بررسی حضور زنان در ترانه‌ها و اشعار عامیانه ایران

موضوع: ادبیات عامه ایرانی

موضوع: موسیقی محلی ایرانی

رده بندی کنگره: ۳/۹/۴۰۰۹ PIR

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۱۴۷-۸۳م

برای هستی‌ام

ملودی

فهرست مطالب

.....	سپاسگزاری	۱۳
.....	مقدمه	۱۵
.....	فصل اول: اسم‌ها در اشعار و ترانه‌ها	۱۹
.....	نسبت‌های خویشاوندی	۲۲
.....	زن (همسر)	۲۳
.....	مادر	۲۴
.....	ننه	۲۶
.....	خواهر	۲۸
.....	خاله	۲۸
.....	دختر خاله	۳۲
.....	عمه	۳۳
.....	دختر عمه	۳۴
.....	زن عمو	۳۴
.....	دختر عمو	۳۵
.....	دختر دایی	۳۶
.....	مادر شوهر	۳۶
.....	مادر داماد	۳۸
.....	خواهر شوهر	۳۹
.....	مادر زن	۳۹

۴۰.....	ننه عروس.....
۴۰.....	زن بابا.....
۴۱.....	هوو.....
۴۶.....	دایه (= تایه، دده).....
۴۶.....	القاب.....
۴۶.....	ضعیفه.....
۴۷.....	خاتون.....
۴۸.....	خانم.....
۴۹.....	خانمی.....
۵۰.....	آبجی.....
۵۱.....	باجی.....
۵۱.....	بانو.....
۵۱.....	بی بی.....
۵۱.....	مامان.....
۵۳.....	زن اوسا.....
۵۳.....	زن اریاب.....
۵۳.....	اسامی عام.....
۵۴.....	دختر.....
۵۶.....	عروس.....
۵۷.....	زن.....
۵۸.....	پیرزن.....
۵۹.....	اسامی شاعرانه.....
۵۹.....	حوری.....
۶۰.....	صنم.....
۶۰.....	نگار.....
۶۱.....	یار.....

۶۲.....	اسامی خاص.....
۶۲.....	بدری.....
۶۳.....	بگم.....
۶۳.....	بلورخانم.....
۶۴.....	پروین.....
۶۴.....	پری.....
۶۵.....	تین باجی - تین خانم.....
۶۶.....	خیرالنسا.....
۶۶.....	زبیده.....
۶۶.....	زهرا.....
۶۷.....	سکینه.....
۶۷.....	سلی.....
۶۸.....	سلیمه.....
۶۸.....	سیمین.....
۶۸.....	شباباجی - ما باجی.....
۶۹.....	شاخانم.....
۶۹.....	شمسی.....
۷۰.....	شهربانو - کلثوم.....
۷۰.....	شیرین.....
۷۰.....	صغرا.....
۷۱.....	صنم.....
۷۱.....	عذرا.....
۷۲.....	فاطمه - رقیه.....
۷۲.....	فاطی.....
۷۲.....	کبری.....
۷۲.....	کشور.....

۷۳.....	گل بهار.....
۷۳.....	گل پری.....
۷۳.....	گلین باجی.....
۷۴.....	مرواری.....
۷۵.....	ماری.....
۷۵.....	منور.....
۷۵.....	مینا.....
۷۵.....	هما.....
۷۶.....	همدم.....
۷۷.....	زنان شهرها.....
۷۷.....	بندر.....
۷۷.....	تبریز.....
۷۷.....	تهران.....
۷۸.....	رشت — مازندران.....
۷۹.....	شیراز.....
۸۰.....	فسا.....
۸۰.....	کردستان.....
۸۱.....	کولی‌ها.....
۸۳.....	فصل دوم: جنبه‌های ادبی اشعار و ترانه‌های عامیانه.....
۹۵.....	فصل سوم: ترانه‌های زنانه.....
۱۰۵.....	فصل چهارم: آرایش، پوشش، و زینت آلات زنان.....
۱۰۵.....	معیارهای زیبایی: آرایش.....
۱۱۷.....	پوشش.....
۱۱۸.....	پیرهن تور- شلوار تنگ.....
۱۱۸.....	تنبان خارا.....
۱۱۹.....	تنبان زری.....

تنبان کوتاه.....	۱۱۹
شلوار کش.....	۱۱۹
چادر تافته.....	۱۲۰
چادر یزدی.....	۱۲۰
چارقد گارس (= گاز).....	۱۲۰
چارقد مشمش.....	۱۲۰
زیر جامه مخمل.....	۱۲۰
قبای مخمل - کلاه ماهوت.....	۱۲۱
کفش پولکدار - چادر یراقدار.....	۱۲۱
کفش تاج الدوله.....	۱۲۱
یل.....	۱۲۱
جوراب مخمل.....	۱۲۲
پیرهن گل بادوچه.....	۱۲۲
شلوار و شلیته، چادر و پیچه.....	۱۲۲
شلیته و تنبون و روسری.....	۱۲۲
چکمن = چپکن = نیمتنه زری.....	۱۲۲
زینت آلات.....	۱۲۲
فصل پنجم: ازدواج.....	۱۲۵
جفت‌یابی.....	۱۲۵
اختلاف سن عروس و داماد.....	۱۲۸
جهیزیه.....	۱۳۴
توقع زوجین از یکدیگر.....	۱۳۵
توقع مرد از زن.....	۱۳۵
توقع زن از مرد.....	۱۴۱
رابطه عاطفی.....	۱۴۳
تنبيه بدنی زنان.....	۱۴۷

۱۵۴.....	موانع ازدواج.....
۱۶۰.....	صیغه.....
۱۶۱.....	زن بیوه.....
۱۶۱.....	حضور زن و شوهر بیرون از منزل.....
۱۶۳.....	فصل ششم: کار زنان.....
۱۶۳.....	فرزندزایی.....
۱۷۰.....	اشتغال زنان.....
۱۷۱.....	بافندگی.....
۱۷۱.....	قالیافی.....
۱۷۴.....	پختن نان.....
۱۷۵.....	شیر دوشیدن.....
۱۷۵.....	مشک زدن و تهیه لبنیات.....
۱۷۶.....	کار درشالیزار.....
۱۷۷.....	شخم زدن.....
۱۷۸.....	سایر کارها.....
۱۸۱.....	فصل هفتم: تحقیر زنان.....
۱۸۱.....	تحقیر مردان از طریق زنان.....
۱۸۴.....	تحقیر زنانگی.....
۱۸۵.....	فحاشی.....
۱۸۷.....	سایر کلمات خوار کننده.....
۱۸۸.....	بد و بیراه زنان به مردان.....
۱۸۹.....	فصل هشتم: فساد و فحشا.....
۱۸۹.....	روسیگری.....
۱۸۹.....	راویِ مرد.....
۱۹۰.....	راویِ زن یا مرد.....
۱۹۳.....	فهرست منابع.....

سپاسگزاری

زنان ترانه حاصل سال‌ها کار در زمینه زنان و امور مربوط به آنان است که قطره قطره جمع شد و اینک پیشاروی شماست؛ چاپ کتاب‌های ارزشمندی در این باره نگرانی نگارنده را مبنی بر در دسترس نبودن تمام اشعار به حداقل رساند.

پرس و جو از هنرمندان و دوستان صاحب ذوق برای معرفی منابع شفاهی هرچند حاصلی نداشت این اطمینان را به بار آورد که موارد بیشتری دستگیر پژوهشگر نخواهد شد، بخصوص آنچه که مورد نیاز بود، شاعرانه‌ها و عاشقانه‌ها نبود بلکه اشعاری بود که آن روی دیگر روان و عمل انسان‌ها را نشان دهد و حکایتگر روابط غلط و نادرست فرهنگی باشد که بیشترین آسیب آن به زنان وارد شده است؛ البته بدیهی است که کسی را میلی برای به خاطر سپردن زشتی‌ها نباشد.

به هر روی ممنونم از هنرمند وارسته شادروان آقای جمشید لایق؛ استاد بزرگوارم آقای دکتر سید مهدی ثریا که شاید درس ایشان در رساله‌ای دانشجویی مرا به فکر این کار انداخته باشد و شادروان ناصر ایجادی که چاپ اول این کتاب را به دوستداران هدیه کرد.

از همسرم که گنجینه ادبیات عامیانه است و با درود به روان مادرشوهرم که همیشه ترانه‌ای را زمزمه می‌کرد و یا به اندک اشاره‌ای به کلامی شاعرانه شعری می‌خواند که شادی و بهجت را به فضای خانه می‌آورد.

با تشکر از دستان کوچک دخترم ملودی در بیست و شش سال پیش که تمام نوارهای ترانه‌های ضربی و تخت حوضی موجود در آرشیو دوستان را بر روی کاغذ آورد و از خانم مینا مشهدی فراهانی که با حضور در عروسی‌های سنتی خانواده مادری‌اش و کمک گرفتن از افراد دیگر، نمونه‌های زیبا و جالبی از ترانه‌های تخت حوضی همچنان مرسوم را برایم تهیه کرد.

و تشکر نهایی نثار ناشر خوش فکر و فعال قصیده سرا سرکار خانم شعله راجی کرمانی باد که حاصل قرن‌ها ذوق ایرانی را درباره زنان این سرزمین دوباره انتشار داد.

بنفشه حجازی

تابستان ۱۳۹۸

مقدمه

ترانه‌های عامیانه که به قول صادق هدایت «هنر و نبوغ ساده ترین طبقات مردم‌اند»، سمبول روح آزاد و بدون قید و بند، ترجمان روح‌های پر سوز و گداز و نماینده تمنیات و خواست‌های مردمی هستند که ترانه در آنجا شکل گرفته و ساخته شده است.

ترانه‌ها حاصل خلاقیت‌های هنری و مضمون پردازی مردمان با یکدیگر است؛ حاصل کاری گروهی که روح جمعی در آن موج می‌زند. زیبایی‌ای ساخته جمع و صیقل یافته در گذر زمان بدون امضای افرادی چون فایز دشتستانی و باباطاهر همدانی؛ و چون کار مردمان است و مردمان از ساحل دریای خزر تا خلیج فارس و بیش از آن ایرانیانند یک ترانه را در بیش از یک منطقه می‌توان یافت با تفاوت‌هایی که یا حاصل گرمای جنوب است یا باران‌های شمال. زبان متفاوت آنهاگویای همان آرزوها و تمناها و همان عشق است. ایرانی، درد هجران و اشک و طنز را با موسیقی خاص مناطق هماهنگ می‌کند و هنری به وجود می‌آورد که کار شعر و موسیقی را باهم به نمایش می‌گذارد.

مردمان در کنار یکدیگر ایستاده چون از ارتفاع ساده زندگی سخن می‌گویند، سخنانشان با زبان خشک اخلاق و خطابه‌های پر اندرز متفاوت است. آنان زبانی ساده و طبیعی دارند که با احتیاجات هنری‌شان مطابقت دارد. به همین منظور این ترانه‌ها برگزیده شده‌اند تا از درونشان

دریابیم که ایرانیان به زنانشان چگونه می‌نگرند و از آنها در این بخش از فولکلور چگونه یاد می‌کنند؛ یا زنان ایرانی در ترانه‌ها از چه سخن می‌گویند.

ترانه‌ها و اشعار عامیانه همان گونه که امضای سراینده‌ای را به دنبال خود ندارند، زمان سرایش مشخصی نیز ندارند مگر تاریخ ثبت گردآورندگان اشعار و ترانه‌ها. شاید سرنخ ترانه‌ای به قبل از اسلام برسد یا پیش از آن و شاید به ماهی قبل از ثبت در کتابی.

همیشه عده‌ای برای بازگویی حرف دل مردمان ایران و نیز مجلس آرای‌هایشان بوده‌اند که یا اثر طبع آنان را ارائه می‌کرده‌اند و یا چون خود از همان گروه به شمار می‌آمدند به حرف خویشتن بهایی بیشتر داده‌اند؛ حال چه در جهت تصحیح موسیقایی و چه به منظور افزودن بر غنای لفظ یا گاه گرفتن معنایی دیگر از آن، که این رندی طرفه حسنی است بدون مخالف.

استقبال از ترانه‌هایی که اثر طبع بازیگران و مقلدان بوده، خود نمایانگر موافقت یا توجه عامه به حکمت مستتر در آنان بوده است؛ بدین خاطر از آن ترانه‌ها و اشعار سود جسته‌ام؛ اما همچنان از ترانه‌هایی که سراینده‌ای خاص داشته است، حذر کرده‌ام.

در تقسیم بندی ترانه‌ها و اشعار عامیانه، لالایی‌ها را که مظهر آرزوها و خواست‌ها و ترس‌ها و نیازهای روحی زنان است که بیشتر خود آنان به بهانه خواباندن اطفال و به واقع درد دل با کودکان می‌خوانند، مورد بررسی قرار نداده‌ام که در حوصله این مقال نمی‌گنجد؛ بخصوص که مواردی همچون دوری از همسر، ترس از هوو و از دست دادن فرزند و آرزوی بهترین‌ها برای اولاد... از فحوای سایر اشعار نیز استخراج شدنی

است؛ چنین است اشعار و ترانه‌های عروسی که به آداب و رسوم و تشریفات می‌پردازد.

محتوای این اشعار هم بیانگر امیال غریزی و انتظارات جامعه ایرانی از زنان و برخورد با مسئله زنان است و هم مبین این نکته که در پاسخ خواست‌ها و انتظارات اجتماعی زنان - زنانی که در ترانه‌ها منعکس‌اند - چه توضیحی داده‌اند. به آسانی می‌توان دید که زنان ایران به هرآنچه از ایشان خواسته‌اند، پاسخ داده‌اند و اگر در این آزمون تاریخی، نمره و رتبه‌ای در این سطح دارند، سهم سؤال‌کنندگان و متصدیان آموزش و پرورش اجتماعی را نیز باید در نظر گرفت.

در جمع‌آوری و بررسی سؤالات مطروحه در این آزمون، بدیهی است که نگارنده به تمام منابع - به رغم کوشش فراوان - دسترسی نداشته است و اگر آنها را نیافته، امیدوار است که در منابعی که تاکنون مورد تفحص قرار نگرفته، مواردی ناقض یا تعدیل‌کننده برداشت‌های این کتاب وجود داشته باشد.

برای نشان دادن تغییرات زمانه، گاه ترانه‌ای چند گونه نقل شده است که به علت روشن نبودن تاریخ سرایش به ناچار از روی حدس و گمان مرتب شده است.

اسامی هم معنی در زبان‌های مختلف زیر نام‌های فارسی آمده است مثل کیجا یا دوهدر یا سایر تلفظ‌ها که تحت نام دختر آمده‌اند یا عمقزی به معنای دخترعمه یا تایه و دده که به معنای دایه است

اگرچه در بسیاری از مناطق به خواهر، آبجی هم گفته می‌شود ولی در زیرنام خواهر آورده نشده و جزو القاب محسوب شده است چرا که به خیلی از زنان جمع خانواده بدون ارتباط خویشاوندی هم آبجی، آباجی و آغاباجی گفته می‌شده است.

بعضی از اسامی زنان به علت دشواری در خواندن ترانه‌های محلی ذکر نشده‌اند اما به بهانه‌های مختلف به منابع اشاره شده است مثل گوهر و گوهر سلطان و گلندام که در کتاب هدایت صص ۳۷۱ و ۳۸۳ آمده است. صحبت راجع به اغلاط چاپی یا ثبتي یا گونه‌های متفاوت یک شعر از موضوع ما خارج بوده و حتی الامکان از این گونه بحث‌ها پرهیز شده است.

فصل اول

اسم‌ها در اشعار و ترانه‌ها

بررسی ترانه‌ها و اشعار عامیانه براساس تفکیک جنسی حاکی از آن است که حدود نیمی از این اشعار مربوط به زنان و مسائل آنان است که در تعدادی از این گروه اشعار زنان با واژه‌هایی دال بر نسبت‌های خویشاوندی، القاب، اسم‌های عام و شاعرانه و نام‌های خاص حضور دارند:

نسبت‌های خویشاوندی:

زن (به مفهوم همسر)، مادر، ننه، خواهر، خاله، دخترخاله، عمه، دخترعمه، زن عمو، دخترعمو، دختردایی، مادرشوهر - مادرداماد، خواهرشوهر، مادرزن - ننه عروس، زن بابا، دایه (= تایه)

القاب:

ضعیفه، خاتون، خانم (خانمی)، آبجی، باجی، بانو، بی‌بی، مامان (نه به معنی مادر)، زن اوسا و زن ارباب

اسامی عام:

دختر، عروس، زن، پیرزن

اسامی شاعرانه:

حوری، صنم، نگار، یار

اسامی خاص:

بدری، بگم، بلور خانم، پروین، پری، تین باجی (تین خانم)، خیرالنسا، رقیه، زبیده (بی بی زبیده بانو)، زهرا، سکینه، سلی، سلیمه، سیمین، شاباجی، شاخانم، شمسی، شهربانو، شیرین، صغرا، صنم، عذرا، فاطمه (فاطی)، کبری، کشور، کلثوم، گل بهار، گل پری، گلین باجی، لیلا (لیلی)، ماباجی، ماری، مرواری، منور، مینا، هما، همدم و...

از اسامی خاص پیداست که «عرائس الشعر» اشعار و ترانه‌های عامیانه تفاوت چشمگیری چه از نظر تعداد و چه از نظر اسم با عروسان اشعار رسمی که از ادب عرب به شعر فارسی وارد شده‌اند دارد؛ عروسانی همچون لیلی و سلمی که در بیشتر موارد معنی مطلق «معشوق» را می‌دهند.

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر

وہ کہ با خرمن مجنون دل افگار چه کرد

قاصد حضرت سلمی که سلامت بادش

چه شود گر به سلامی دل ما شاد کند

حافظ

اسامی زنانی همچون فرنگیس، رودابه، جریره، همای، کتایون، شیرین، منیژه و... که در مثنوی‌های حماسی و تغزلی به ضرورت داستان یا بیان واقعه‌ای تاریخی آمده‌اند از موضوع این نوشتار خارج است.

شاید اسامی اشعار عامیانه قابل مقایسه با عرائس الشعر شاعران نوپرداز باشد که نام محبوبان خود را همچون آیدا، رکسانا، ری را، مانا، سارا، ثریا و... در اشعار خویش ذکر می‌کنند ولی به نظر می‌رسد که این نام‌ها یا ساخته ذهن شاعرند (آیدا از این قاعده مستثنی است) یا به آوای نام‌ها توجه شده است. تشابه موسیقایی این اسامی با «لیلا» نمی‌تواند تصادفی باشد.

اما بیشتر اسامی اشعار عامیانه نه تنها شاعرانه نیستند که بعضاً از زیبایی آوایی و حسی و نوشتاری نیز بی‌بهره‌اند. سرایندگان گمنام این قبیل اشعار کاری با بازی‌های لفظی و آوایی نداشته‌اند و آنچه که برایشان اهمیت داشته، ذکر نامی است که یا محمل عشقشان بوده یا نفرتشان و یا کارکرد اجتماعی خاصی به آن اسم محول شده است.

اسم‌هایی که به موضوعی خاص از مسائل زنان اشاره‌ای نمی‌کنند به غیر از ضرورت حضور از نظر تکمیل یک کارپژوهشی، حکمت‌هایی مستتر و مخفی دارند که با کمی امعان نظر می‌توان از آنها پرده برگرفت. مؤنث بودن خورشید در فرهنگ ما با ذکر خانم؛ اعتراض به شلختگی بعضی از زنان (بدری)؛ فریادرس بودن زنان (شاباجی)؛ علایق غذایی زنان (خانم)؛ سهولت جایگزینی زنان با یکدیگر توسط مردان (فاطمه - رقیه) و

نکته شایان ذکر دیگر این است که همان گونه که در حال حاضر ما فرزندان خود را با کلمات شیرین و شاعرانه و محبت آمیز صدا می‌زنیم که ربطی با نام شناسنامه‌ای آنان ندارد در اشعار نیز با چنین صفاتی روبه‌رو هستیم. مثلاً: گل پری، نازک پری، شلوار گلی یا گل پری، لاله پری - که گویا نام اصلی دختر «گل پری» است - یا «پری» و بقیه کلمات، کلماتی با بار عاطفی هستند.

موضوع جالب توجه دیگر در این مبحث، حضور اسامی مردان در مقام محبوب و معشوق یا افراد مورد لطف زنان در اشعار عامیانه است که به غیر از داستان‌های منظوم عاشقانه شاعران مرد در شعر هیچ یک از شاعران زن دیده نمی‌شود. شهر آشوب‌های مهستی نیز در واقع طبع آزمایی‌ای است در یک صنعت شعری که در آن به صنف‌های مختلف جامعه توجه می‌شود و پیش و بعد از او نیز شاعرانی در این زمینه هنر نمایی کرده‌اند که البته زن

بودن و عاشق بودن مهستی به پسر خطیب بزرگ گنجه - امیر احمد - شهرت سوئی که سزاوارش نیست را، نصیب او کرده است.

به عاریت گرفتن نام مردان تاریخی - ادبی یی همچون خسرو و فرهاد نیز حجابی برای پنهان داشتن یار در کوی غاتفر است؛ اما در اشعار عامیانه ذکر نام‌هایی همچون ایاز (شاید با توجه به ایاز تاریخی - ادبی)، رضاقلی، خلیل، حسن، محمد علی، حتی حاجی جواد، کل ابرام، کل محمد جعفر، مش تقی، مشهدی حسن، اوس علی، مهدی، فرج یا رحیم خان، ابرام غزلخون، نمایانگر چهره واقع‌گرای مردمی است که بی‌توجه به قضاوت تاریخ یا حیثیت ادبی «زندگی» می‌کنند.

نسبت‌های خویشاوندی

از زمینه‌های قابل توجه در این اشعار، تضاد شوهران با همسرانشان است و به ندرت شاهد محبتی همسرانه در آنها هستیم.

در این گروه بیش از همه به خاله اشاره شده است. دختر خاله به نسبت دختر عمو از بسآمد بیشتری برخوردار است و از دختر عمه به جز آن دختر عمه مشهور یعنی «عمقزی» خبری نیست.

از دیگر بستگان، مادر شوهر به نسبت مادرزن از تکرار بسیار بالایی برخوردار است که بیش از همه از زبان عروس به این اشتها رسیده است. خواهر شوهر نیز بی‌نصیب نمانده اما از خواهر زن در اشعار نشانی یافت نشده است.

هوو از خویشاوندانی است که نه تنها از نظر بسآمد بلکه از لحاظ طول اشعار، اشعار بلند بالایی را در قالب قصیده به خود اختصاص داده است. اشاره‌های نکته‌بینانه و جالب اشعار آشکار می‌کند که هووها لزوماً غریبه نیستند و گاه نسبت خویشاوندی بسیار نزدیکی هم با هم دارند.

تذکر این نکته لازم است که در بعضی از اشعار مثلاً به زن بابا اشاره شده و در منبعی دیگر همان شعر مادر زن را نشانه رفته است؛ مثل جایگزینی عمه و خاله در بعضی از اشعار.

در ترانه «منم منم بلبل سرگشته» هرچند روایت‌های مختلف به نامادری یا به قول معروف به زن بابا اشاره دارد، هدایت در ترجمه‌ای از این شعر از اسکاتلندی به مادر نابکار اشاره می‌کند که البته خود در زیرنویس همان صفحه واژه زن بابا رابه کار می‌برد.

زن (همسر)^۱

دیشب زن من گفت به من میرزا قلمدون
گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
گفت فردا می‌شی حاکم میدون
گفتم بله قربون بله قربون بله قربون
(احمدی، ص ۲۸)

□

یک زنی دارم که گلین باجیه
صبح تا شب مشغول وراجیه
هیچی بلد نیست بجز اشکنه
هر چی به دستش برسه می‌شکنه
وای از اون روزی که مهمون داریم
مرغ و مسما و بادمجون داریم

۱. قطعه زن (همسر) به صورت کامل در فصل چهارم آمده است.